

بیاد حمید مصدق

۱۸ تا ۱۴  
ام سیهالی از حمید  
درود بر همه ای که در این شب غم انگیز یاد بود یا درود با شاعر رنج و آرزوی حمید  
در این جا حضور دارند. از ملک بزرگواران هم رفتند. نو بار نو بنده که  
ملک انوار بهار در زمان دولت هم حکمی گفت: از ملک بزرگواران هم رفتند: دروغا که فرستند  
ما این هم رفتند. منیل اله فلیلی ملک انوار وقت افتادند در زمان آرزوی بی پروان نشسته  
سازیدگی حسان نشسته. ملک بزرگواران هم رفتند و آفریدند و رفتند. اما رنده ماندند. زراعت بیایان  
ای بزرگواران در غم بگذرید و در غم بنشینید و آفریدند و رفتند. اما رنده ماندند. زراعت بیایان  
استیضات با از این است که حمید مصدق آقا ز قفس نبرد و رفت. آقا ز رفت؟

او حدود چهل سال عمری به اراد دینی جمعیه، در اسناد و تصحیح برداشت که در نیمه از سال ۱۳۴۱  
تا ۱۳۷۲ نیز در جلد کتاب ارزنده به چاپ رسانید. در اراد و اراد اندیشی و عشق آفریننده بود.  
شعر حمید مصدق سرشار از آرزوهای دینی و اجتماعی است. او در اراد و اراد اندیشی و عشق آفریننده بود.  
به ایران که می گوید "از نخل، از سلاطین با کاسه می نوشی قدیمی ایرانم و هم گامها تا عین ایرانم".  
خوبی شو هم در این است که هر کس که در آن می بیند. زبان حمید ساده، صمیمی و سهل متغی است  
که به دل آفرینند و در بین مردم نفوذ همانند. زبان حمید ساده، صمیمی و سهل متغی است  
بیش از بیست سال پیش من تکیه مانون نوشیدگان ما ایران را تکیه لغت که روزیست  
آزاد دارم. آنوقت که امروز شاعران و نویسندگان ما مانوش ندارند تا در گذشته حمید  
و سخن گاه آمیزند بندگان که آفریده ای ساده به همگی خودمان بگفت بگویم.

من این تکیه را بنا نهادم به حمید و در دفتر ساعده منزه: جانان امیر محمدی، رفاهی - مدرسی  
و به دوستان و دوستداران سراد  
در زمان بیاد حمید مصدق و همه شاعران و هنرمندان که در ایران و در جهان به آرزوی و

به فرزند بیداد حجت می کنند  
دوران بوی کرد و خود شده بماند  
گویند نوشیده دو بار نداشت  
کی آمد و کی رفت در دنیا  
زیرا که هنرمند گوانا  
یک دم به حال آید و جاود بماند -  
+ + +

گزاره

لعل ششم ژانویه ۱۹۹۹